

سنجش و تحلیل سطوح توسعه یافتگی شهرها و شهرستانهای استان گلستان

مجتبی قدیر معصوم^۱

کیومرث حبیبی^۲

چکیده

نخستین قدم در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، شناسایی وضع موجود آن مناطق است که این شناسایی مستلزم تجزیه و تحلیل بخشهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن است. برای تخصیص اعتبارات و منابع میان مناطق مختلف، شناسایی جایگاه آن منطقه در بخش مربوطه و رتبه‌بندی سطوح برخورداری از مواهب توسعه ضروری است. جهت رتبه‌بندی بخشهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روشهای متفاوتی وجود دارد که الزاماً جوابهای یکسانی در پی ندارد. در میان این روشها آنالیز تاکسونومی با تلفیق نمودن شاخصهای مختلف توسعه درجه توسعه‌یافتگی آن مناطق را مشخص می‌کند. پژوهش حاضر ۱۶ نقطه شهری استان گلستان و ۹ شهرستان این استان را با توجه به شاخصهای متعدد مسکن و ساختمان، تأسیسات و تجهیزات شهری، فرهنگی، نیروی انسانی و آموزشی. به صورت مجزا و ترکیبی از لحاظ سطوح توسعه‌یافتگی رتبه‌بندی کرده و با ارائه روشی جدید، توسعه بین بخشی و تعیین نقاط حد بحرانی و جایگاه مراکز سکونتگاهی، راهبردهای بخشی و ترکیبی جهت رسیدن به توسعه را ارائه نموده است.

واژگان کلیدی: مسکن، بهداشت و درمان، توسعه‌یافتگی، آنالیز تاکسونومی، مدلسازی، راهبرد

توسعه

۱- استادیار دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران.

۲- دانشجوی دوره دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران.

مقدمه

رشد و توسعه به عنوان یک مقوله اقتصادی - اجتماعی ابتدا از سوی اقتصاددانان و سپس جامعه‌شناسان و پژوهشگران برخی از علوم چون جغرافیا مورد توجه و اساس برنامه‌ریزی قرار گرفت. از جمله، دشواریهای همیشگی در بررسی ادبیات توسعه اقتصادی و دگرگونیهای اجتماعی، مشخص کردن مفهوم توسعه و رشد است. توسعه را می‌توان فرآیندی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دانست که منتج از استانداردهای زندگی بوده و باعث بهبود سطح زندگی بخشهای در حال افزایش جمعیت شود. فرآیند توسعه به حدی اهمیت دارد که باید به موازات رشد جمعیت قابل مشاهده باشد و توصیفی اینچنین، مفاهیم کیفی و منصفانه را به عنوان اهداف قطعی در هر فرآیند توسعه در بر می‌گیرد. به عبارت ساده می‌توان گفت با توجه به این که هدف اصلی توسعه حذف نابرابریهاست، بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است (هدر ۲۰۰۰: ۳). اهداف کلی برنامه‌ریزی منطقه‌ای و یا توسعه اقتصادی برقراری عدالت اجتماعی و توزیع رفاه و ثروت در بین افراد جامعه است. برای دستیابی به اهداف فوق در هر جامعه‌ای نیاز به تهیه و تدوین و در نهایت اجرای برنامه‌های متنوع و متعدد است. زیرا یکی از مهمترین خصایص یک اقتصاد پویا و فعال و سالم، توزیع مناسب و عادلانه امکانات و ثمرات توسعه در میان اکثریت جمعیت یک ناحیه، منطقه یا کشور است. از این رو برنامه‌ریزان از طریق تهیه برنامه‌های محرومیت‌زدایی سعی در کاهش شکافها و نابرابریها دارند. در کشور ما توسعه و زیرساختهای آن در نواحی جغرافیایی کشور در اثر برنامه‌ریزیهای نامطلوب ملی و متمرکز گذشته تفاوت شدیدی را در روند توسعه آشکار ساخته است. بیش از دو دهه است که در ایران سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران، روشهای مختلف برنامه‌ریزی از قبیل منطقه‌ای، فضایی و آمایش سرزمین را مورد عنایت قرار داده‌اند تا با استفاده عملی از روشهای مذکور ضمن تأکید بر توانها و منابع محیطی نواحی جغرافیایی، توسعه‌ای جامع و فراگیر مبتنی بر تعادل منطقه‌ای در زمینه‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از طریق تدوین استراتژیهای مطلوب و درون‌زا در عرصه ملی برقرار سازند (رمضانی ۳۷۶: ۵). در ایران نیز چون اکثر کشورهای در حال توسعه در زمینه اقتصادی و اجتماعی آن یک یا دو منطقه و یا نهایتاً چند منطقه دارای مسئولیت اصلی در زمینه ایجاد درآمد و تولید ملی و برخوردار از خدمات عمومی و بالطبع شکوفایی اقتصادی، اجتماعی بوده که به قیمت عقب‌نگه‌داشتن مناطق دیگر بوده است. برای این امر

دلایلی چون استعداد آن مناطق و نواحی و پتانسیل‌های بالای اقتصادی آن در زمینه استحکامات زیربنایی و توان تولیدی مطرح می‌شود ولی حتی با در نظر گرفتن این مسئله نیز نمی‌توان تدوین و اجرای برنامه‌ریزی‌های نامطلوب و تمرکزگرایی ۵۰ سال اخیر که باعث تبدیل کشور به چند قطب معدود و برخوردار و اکثریت عظیم محروم گشته است، نادیده گرفت. چنین وضعیتی در اکثر مناطق و استانهای مختلف کشور صادق بوده، به همین خاطر در این پژوهش با سیر تحول شاخصهای توسعه شهری و منطقه‌ای در استان گلستان در یک دوره زمانی ۱۰ ساله (۷۹-۶۹) سیر تحولات نقاط شهری و شهرستانها، تبیین خواهد گردید. تا با شناسایی نقاط ضعف و پتانسیل‌های این نقاط و مراکز سکونتگاهی راهبردی جامع مبتنی بر رساندن مناطق محروم به برخوردار ارائه گردد.

ادبیات موضوع

در سال ۱۹۶۶ ریچارد مورفی محقق آمریکایی جهت تعیین سطوح توسعه‌یافتگی نقاط شهری این کشور از طریق تعیین حوزه نفوذ شهرها شاخصهایی چون، خدمات، مهاجرت‌های روزانه، تأسیسات و تجهیزات شهری، توزیع روزنامه‌ها ... را به کار گرفت و شهرهای این کشور را به چند طبقه متفاوت از سطوح توسعه، طبقه‌بندی نمود. فکر آمایش سرزمین^۳ و تعادل‌بخشی به جمعیت و خدمات بعد از جنگ دوم جهانی در فرانسه، این کشور را وادار کرد تا با مطالعه استخوان‌بندی سطوح متروپول‌های بزرگ و منطقه‌ای از طریق شاخصهای مختلفی چون جاذبه و حوزه نفوذ شهرها، مراکز بهداشتی و درمانی، تأسیسات و تجهیزات شهری، مراکز فرهنگی- هنری، مراکز آموزش عالی و ... شهرهای این کشور را از لحاظ سطوح توسعه سطح‌بندی نماید (ایزدی ۱۳۷۳: ۷۵-۶۹). در سال ۱۷۶۳ آندرسون روشی به نام تاکسونومی را ارائه کرد که این مدل در سال ۱۹۵۰ توسط عده‌ای از ریاضی‌دانان بسط داده شده و در سال ۱۹۶۸ به عنوان وسیله‌ای برای طبقه‌بندی درجه توسعه‌یافتگی بین ملل مختلف توسط پروفیسور هالویگ از مدرسه عالی اقتصاد به کار گرفته شد. این مدل قادر است یک مجموعه را به زیر مجموعه‌های کم و بیش همگن تقسیم کرده و مقیاسی برای شناخت درجه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که مورد استفاده در امر برنامه‌ریزی باشد ارائه دهد (محمودی ۱۳۷۴: ۲۴). در سال ۱۹۹۴ نلسون آرتور و همکارانش با بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و تاریخی و نقش دولتها در توسعه ناحیه‌ای شهرهای آتلانتا و پورتلند در یک دوره ۳۰ ساله (۱۹۹۰-۱۹۶۰) نتیجه می‌گیرند با

وجودی که بیشترین میزان سرمایه‌گذاریهای اقتصادی در منطقه آتلانتا صورت گرفت، شهر پورتلند از دو شهر دیگر از رونق اقتصادی بیشتری برخوردار شده و آنچه باعث تجدید حیات شهری این ناحیه نسبت به دو ناحیه دیگر شده مسئله مدیریت و هماهنگی در برنامه‌ریزی توسعه ناحیه‌ای این شهر نسبت به دو شهر دیگر است (آرتور ۱۹۹۴: ۳۹۶). در ایران در سال ۱۳۶۹ در دفتر اقتصاد مسکن وزارت مسکن و شهرسازی جهت اندازه‌گیری شاخصهای برخورداری و نابرابری در شهرهای ایران با انتخاب عوامل ۲۷ گانه چون درصد شاغلان، بیکاری، بار تکفل، نسبت طلاق به ازدواج و ... رتبه هر استان در سطح کشور، رتبه هر شهر در استان مربوط و کشور تعیین شده است. علاوه بر این در سطح وزارتخانه‌ها و سازمانهای اجرایی کشور چون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مسکن و شهرسازی، جوامع دانشگاهی و ... مطالعات دیگری نیز انجام گرفته که از جمله می‌توان به مطالعات مینا طلایی (۱۳۵۳)، نوربخش (۱۳۵۶)، صدرالدین (۱۳۵۹)، بیدآبادی (۱۳۶۲)، قاسمی (۱۳۶۳)، فاطری (۱۳۶۴)، بهشتی (۱۳۶۵)، زمان‌آبادی (۱۳۶۶)، فضیلتی (۱۳۶۹)، سعیدی (۱۳۷۰)، مشرفی (۱۳۷۵)، رضوانی (۱۳۷۶)، شوهانی (۱۳۷۸)، محمودی و فیض‌پور (۱۳۷۸)، حبیبی و رضوانی (۱۳۷۸) و (۱۳۸۰)، زیاری (۱۳۷۹) و ... اشاره نمود.

منطقه مورد مطالعه

استان گلستان با مساحتی بالغ بر ۲۰۴۳۷ کیلومتر مربع در منتهی‌الیه جنوب شرقی دریای خزر واقع شده که ۱/۳ درصد مساحت کشور را شامل می‌شود و از نظر مساحت در بین استانها رتبه نوزدهم را دارد و بر اساس تقسیمات سال ۱۳۸۰ از ۱۱ شهرستان، ۱۸ شهر، ۵۰ دهستان و ۹۹۷ آبادی مسکونی تشکیل شده است. تنوع اقلیمی استان به دلیل شرایط جغرافیایی و طبیعی قابل توجه بوده به طوری که نواحی جنوب از آب و هوای کوهستانی، نواحی مرکزی و جنوب غربی از آب و هوای معتدل مدیترانه‌ای و نواحی شمالی از آب و هوای نیمه خشک و خشک برخوردار است. با مقدار بارش سالیانه از ۲۰۰ تا ۷۵۰ میلیمتر در سال در نقاط مختلف، از نقطه نظر ناهمواری نیز شامل ناحیه کوهستانی، کوهپایه‌ای، جلگه‌ای و زمینهای پست است که ناحیه جلگه‌ای عمده‌ترین محل استقرار شهرها و سکونتگاههای روستایی است. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۴۲۶۲۸۸ نفر جمعیت داشته که نسبت به سال ۱۳۶۵ (۱۱۴۵۰۳۳ نفر) به طور متوسط سالانه

۲/۲۲ درصد رشد داشته است که در مقایسه با رشد کشوری (۱/۹۶ درصد) از متوسط رشد بالاتری برخوردار است. از این تعداد ۴۱/۳ درصد در نقاط شهری و ۵۸/۷ درصد در نقاط روستایی زندگی می‌کنند. نرخ رشد شهرنشینی در مقطع زمانی (۶۵-۷۵) در این استان معادل ۴/۴ درصد بوده، حال آنکه همین شاخص در کشور به طور متوسط ۷ درصد بوده است و این نشان‌دهنده شیوه غالب معیشت مبتنی بر کشاورزی، روستانشینی و کوچ‌نشینی در این استان است.

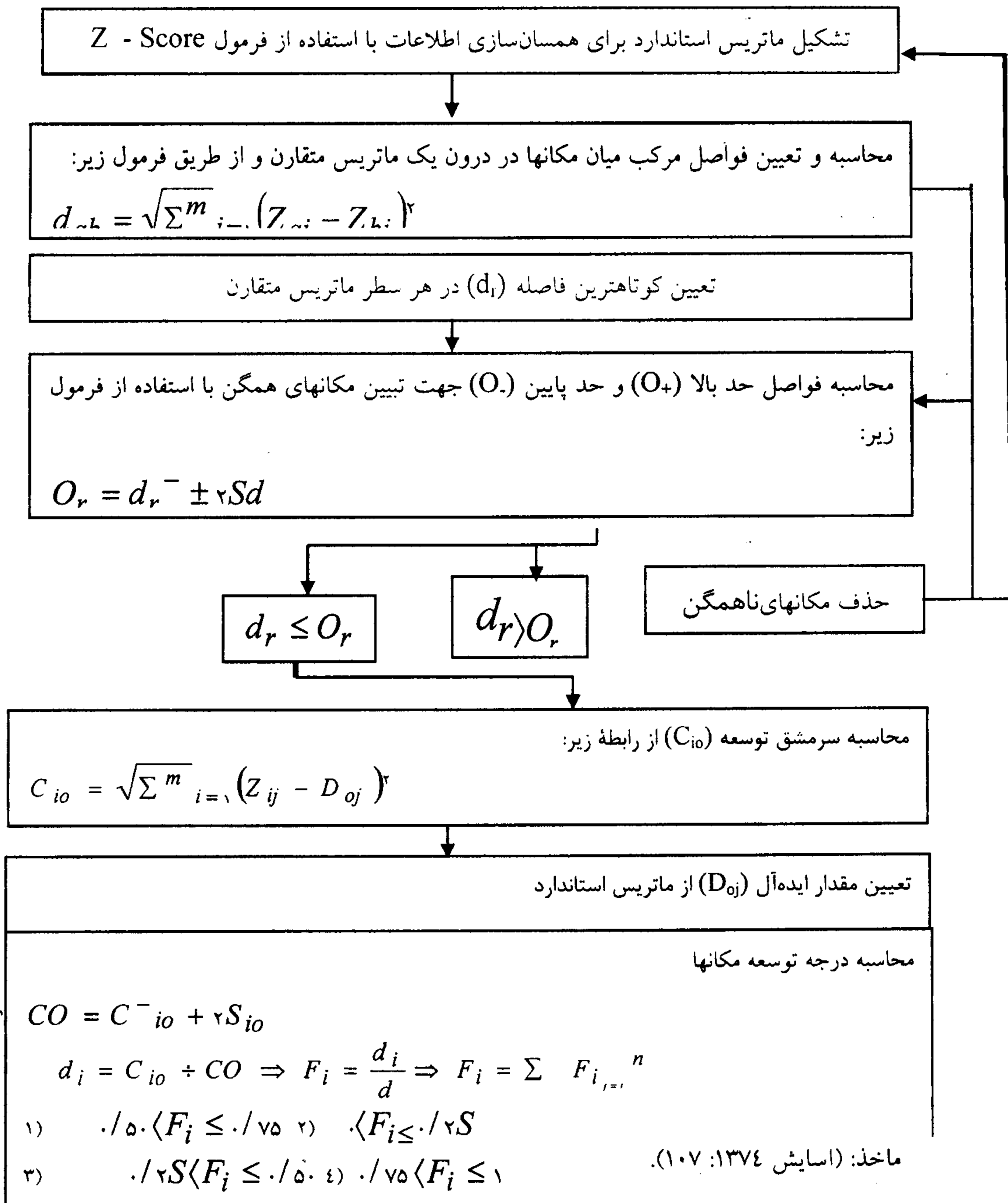
روش شناختی تحقیق

برای تعیین درجه توسعه‌یافتگی مناطق، روشهای متعددی وجود دارد که به طور خلاصه معرفی می‌گردد: ۱- روش موریس یا شاخص توسعه انسانی: سازمان ملل با انتخاب این مدل از سه شاخص امید به زندگی، نرخ باسوادی و درآمد سرانه جهت سطح‌بندی ۱۳۰ کشور جهان استفاده نموده است. این مدل قابلیت گسترش و جایگزینی دارد و در هر کشوری برای تطبیق و انتخاب مناطق و یا شهرها و نواحی به منظور سنجش درجه توسعه آنها به کار می‌رود (حقی ۱۳۷۰: ۱۸۶).

۲- تحلیل عاملی: این تکنیک آماری پیشرفته تعدادی متغیر را با یکدیگر ترکیب و این امکان را در اختیار محقق قرار می‌دهد تا همزمان شاخصهای زیادی را جهت گروه‌بندی و سطح‌بندی مختلف مکانی، فضایی به کار گیرد (نوربرت ۱۹۸۰: ۲۰۲).

۳- عددی تاکسونومی: این روش از پیچیده‌ترین تکنیکهای سطح‌بندی بوده که با تلفیق شاخصهای متعدد، سطوح توسعه‌یافتگی را مشخص می‌نماید. هدف ما در برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و منطقه‌ای ممکن است یکسان‌سازی درجه توسعه‌یافتگی مناطق و تعادل بهینه‌سازی فضایی از سطوح توسعه و برقراری عدالت اجتماعی از آن طریق باشد. جهت این امر از مدل تاکسونومی برای تعیین سطوح توسعه و توسعه‌یافتگی نقاط شهری و شهرستانهای استان گلستان استفاده شده که اصول کلی آن به شرح زیر است (نمودار در صفحه بعد).

مراحل مختلف تجزیه و تحلیل داده‌ها در آنالیز تاکسونومی



شاید بتوان گفت بیشتر مدل‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای مانند کلاستر، تحلیل عاملی، تاکسونومی، سلسله مراتبی نتیجه تقریباً یکسانی به دست می‌دهد و مهمترین عامل در محاسبه سنجش درجه توسعه، انتخاب شاخصهای واقعی و متعدد مبین برخورداری و محرومیت است. از این رو در پژوهش حاضر متغیرهای نقاط شهری استان گلستان به تفکیک نقاط شهری و شهرستان به شکل جدول زیر انتخاب گردید.

جدول ۱. بخش و متغیرهای مورد استفاده جهت سطح‌بندی نقاط شهری و شهرستان استان گلستان

متغیرهای شهری	کد	بخش
درصد برخورداری خانوار از واحد مسکونی (۷۵)	X ۱	مسکونی و ساختمان
نسبت پروانه ساختمانی صادره به ازای جمعیت (۷۹)	X ۲	
نسبت واحد مسکونی به کل پروانه‌های ساختمانی صادره (۷۹)	X ۳	
تراکم خانوار در واحد مسکونی (۷۵)	X ۴	
نسبت رشد واحدهای مسکونی به رشد خانوار (۷۵-۶۵)	X ۵	
نسبت برخورداری واحد مسکونی از امکانات آب (۷۵)	X ۶	
نسبت برخورداری واحد مسکونی از امکانات گاز لوله‌کشی (۷۵)	X ۷	
نسبت برخورداری واحد مسکونی از امکانات برق (۷۵)	X ۸	
نسبت برخورداری واحد مسکونی از امکانات تلفن (۷۵)	X ۹	
نسبت واحدهای مسکونی بادوام به کل واحدهای مسکونی (۷۹)	X ۱۰	
سرانه فضای سبز شهری (۷۹)	X ۱۱	تأسیسات و تجهیزات شهری
نسبت ایستگاه آتش‌نشانی به ازای جمعیت (۷۹)	X ۱۲	
تعداد وسایل حمل و نقل درون شهری به ازای جمعیت (۷۹)	X ۱۳	
تعداد خودرو حمل زباله به ازای جمعیت (۷۹)	X ۱۴	
نسبت گاراژ باربری به ازای جمعیت (۷۹)	X ۱۵	
نسبت آژانس تلفنی به ازای جمعیت (۷۹)	X ۱۶	
نسبت تعداد شرکتهای تعاونی اتوبوس به ازای جمعیت (۷۹)	X ۱۷	
نوع سیستم جمع‌آوری زباله شهری (وزن‌دهی) (۷۹)	X ۱۸	
درصد شاغلین به افراد ۱۰ ساله و بیشتر (۷۵)	X ۱۹	
نسبت شاغلین به جمعیت فعال (۷۵)	X ۲۰	

متغیرهای شهری	کد	بخش
نسبت بیکاری جمعیت فعال (۷۵)	X ۲۱	اشتغال
متوسط بار تکفل (۷۵)	X ۲۲	
شاغلین بخش صنعت (۷۵)	X ۲۳	
نرخ رشد سالانه جمعیت (۷۵-۶۵)	X ۲۴	
متغیرهای شهری	کد	بخش
سرانه هزینه‌های عمرانی شهرداری (۷۹)	X ۲۵	عمران شهری
نسبت فضای سبز به کل شهر (۷۹)	X ۲۶	
نسبت مسیل ساخته شده به کل مسیل در سال (۷۹)	X ۲۷	
نسبت سطح معابر به کل سطح شهر (۷۶)	X ۲۸	
درآمد سرانه شهرداری (۷۹)	X ۲۹	
نسبت هزینه‌های عمرانی به کل هزینه‌های شهرداری (۷۹)	X ۳۰	
درصد باسوادی در نقاط شهری (۷۵)	X ۳۱	آموزشی
نسبت افراد در حال تحصیل مقطع عالی به جمعیت (۷۵)	X ۳۲	
نسبت افراد در حال تحصیل ابتدایی و سوادآموزی به افراد ۱۰-۶ ساله	X ۳۳	
نسبت افراد در حال تحصیل راهنمایی به افراد ۱۱-۱۴ ساله	X ۳۴	
نسبت افراد در حال تحصیل دبیرستان به افراد ۱۴-۲۴ ساله	X ۳۵	

متغیرهای شهرستانی	کد	بخش
نسبت بزرگراه‌ها و راه‌های اصلی به مساحت درازای ۱۰۰ کیلومتر مربع	Y ۱	ارتباطات و مخابرات
نسبت دفاتر پستی شهری به ازای جمعیت (۷۹)	Y ۲	
نسبت صندوق پستی به ازای جمعیت (۷۹)	Y ۳	
نسبت دفاتر پستی مخابراتی به ازای جمعیت (۷۹)	Y ۴	
نسبت تلفن همگانی شهری به ازای جمعیت (۷۹)	Y ۵	
نسبت تلفن همگانی راه دور به ازای جمعیت (۷۹)	Y ۶	
نسبت تلفن همراه به ازای جمعیت (۷۹)	Y ۷	
نسبت مراکز تلفن شهری و بین شهری به جمعیت (۷۹)	Y ۸	
ضریب نفوذ تلفن به ازای ۱۰۰ نفر (۷۹)	Y ۹	
ضریب بهره‌برداری از تلفن شهرستان (۷۹)	Y ۱۰	

نسبت جمعیت برخوردار از تلفن (مصوبه و مشغول) (۷۹)	Y ۱۱	
نسبت کادر آموزشی مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای به ازای جمعیت (۷۹)	Y ۱۲	آموزشی
نسبت کارآموزان مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای به ازای جمعیت (۷۹)	Y ۱۳	
نسبت مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای ثابت به ازای جمعیت (۷۹)	Y ۱۴	
نسبت کلاسهای دوره ابتدایی شهری به دانش‌آموزان (۷۹)	Y ۱۵	
نسبت کادر آموزشی ابتدایی به دانش‌آموزان (۷۹)	Y ۱۶	
نسبت کلاسهای دوره راهنمایی به دانش‌آموزان (۷۹)	Y ۱۷	
نسبت کادر آموزشی راهنمایی به دانش‌آموزان (۷۹)	Y ۱۸	
نسبت کلاسهای دوره متوسطه عمومی به دانش‌آموزان (۷۹)	Y ۱۹	
نسبت کادر آموزشی دبیرستان به دانش‌آموزان (۷۹)	Y ۲۰	
نسبت کتابخانه به جمعیت (۷۹)	Y ۲۱	
نسبت کتاب چاپی به جمعیت (۷۹)	Y ۲۲	
نسبت چاپخانه به جمعیت (۷۹)	Y ۲۳	
نسبت صندلی سینما به جمعیت (۷۹)	Y ۲۴	
نسبت سینما به جمعیت (۷۹)	Y ۲۵	
نسبت اتاق هتل‌های شهرستان به جمعیت (۷۹)	Y ۲۶	
نسبت مجلات کتابخانه به ازای جمعیت (۷۹)	Y ۲۷	
نسبت اعضای کتابخانه به ازای جمعیت (۷۹)	Y ۲۸	
نسبت پزشکان به جمعیت (۷۹)	Y ۲۹	بهداشتی و درمانی
نسبت تخت بیمارستان به جمعیت (۷۹)	Y ۳۰	
نسبت دندانپزشکان به جمعیت (۷۹)	Y ۳۱	
نسبت داروخانه به جمعیت (۷۹)	Y ۳۲	
نسبت آزمایشگاه به جمعیت (۷۹)	Y ۳۳	
نسبت مراکز رادیولوژی به جمعیت (۷۹)	Y ۳۴	
نسبت افراد تحت پوشش بیمه خدمات درمانی (۷۹)	Y ۳۵	
نسبت داروساز به جمعیت (۷۹)	Y ۳۶	

سطح‌بندی نقاط شهری استان گلستان از لحاظ شاخصهای توسعه شهری

الف) مقطع اول: سال ۶۹ و ۷۰

در جریان تهیه برنامه پنج ساله مسکن و برنامه‌ریزی ایجاد شهرها و شهرکهای جدید برای اسکان جمعیت شهری در دو دهه آینده ملاحظه شد که تقسیم مناطق کشور به نقاط محروم و برخوردار، دارای مبانی دقیق و همه جانبه نبوده، لذا هر گونه برنامه‌ریزی برای توسعه مناطق مختلف شهری، ضمن اتلاف بخش مهمی از منابع اقتصادی و انسانی کمک چندانی نیز به تأمین عدالت اجتماعی نمی‌نماید. از این رو در اواخر دهه ۶۰ در دفتر اقتصاد مسکن وزارت مسکن و شهرسازی با توجه به ابعاد مختلف توسعه در جوامع شهری با انتخاب شاخصهایی با عنوان توسعه شهری سعی شد تصویری نسبتاً جامع از مراحل توسعه و یا محرومیت شهری در ابعاد مختلف ارائه گردد. در این مطالعه که برای تمام نقاط شهری کشور انجام گرفته شاخصهای متعدد کالبدی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گردآوری شده ولی نتوانست تصویر کلی از سطوح توسعه‌یافتگی شهرهای ایران نشان دهد. علل این امر را می‌توان به شرح زیر ارائه کرد.

۱- کمبود و یا سازمان نیافتگی آمار و اطلاعات در سالهای آخر جنگ

۲- غیر ممکن بودن محاسبه شاخصهایی چون تولید ناخالص، ارزش افزوده، سرانه عمرانی و

جاری برای نقاط شهری

۳- عدم بکارگیری مدل و تکنیک برنامه‌ریزی منطقه‌ای و یا ناحیه‌ای

۴- توجه به میانگین شاخص در استان و سنجش شهر با آن در هر شاخص

۵- عدم استفاده از شاخصهای آموزشی، صنعتی و ...

با این وجود داده‌های گردآوری شده به عنوان یک بانک اطلاعاتی، امروزه می‌تواند در تعیین سطوح توسعه‌یافتگی آن زمان و اطلاع از روند تغییرات توسعه‌ای تا زمان کنونی به کار گرفته شود. با استفاده از این داده‌ها و با بهره‌گیری از مدل تاکسونومی رتبه‌بندی شهرهای استان گلستان انجام گرفت. استان گلستان در سال ۱۳۶۹ دارای ۱۴ نقطه شهری بود و به عنوان جزئی از استان مازندران

محسوب می‌شد. پردازش مجدد اطلاعات و آمار این ۱۴ نقطه شهری نشان داد که شهر کردکوی با مقدار $(F_i) ۰/۶۳۸$ در رتبه اول، شهر گرگان با $(F_i) ۰/۶۴۸$ در رتبه دوم و شهرهای گمیشان با $۰/۸۵۰$ (F_i) در رتبه سیزدهم و گالیکش با $(F_i) ۰/۹۱۱$ رتبه چهاردهم قرار می‌گیرد.

ب) مقطع دوم: سال ۷۹ (نقاط شهری و شهرستان)

برنامه‌ریزی توسعه، فرآیند پیچیده‌ای است که در آن سازمانها و کارگزاران متعدد و مختلفی در زمینه تهیه و تدوین و اجرای سیاستها و خط مشیهای اقتصادی و اجتماعی یک کشور در تعامل و کنش متقابلند. در سال ۱۳۷۹ استان گلستان دارای ۱۸ نقطه شهری بود. جهت سطح‌بندی درجه توسعه‌یافتگی این نقاط شاخصهایی متعدد مسکن و ساختمان، تأسیسات و تجهیزات شهری، اشتغال، عمران شهری و آموزشی برای نقطه شهری فراهم شد. دو نقطه شهری همراه تپه و اینچه برون به علت ماهیت روستایی و نداشتن آمار و اطلاعات از دامنه بررسیها خارج شد. با توجه به این اعتقاد که علی‌رغم فراز و فرودی که از حیث شهری در کشور به وجود آمده و موجب شده است که ایران از نظر دموگرافیک کشوری شهری تلقی شود هنوز روستاهای ما سهم عمده‌ای از جمعیت را به خود اختصاص داده و به دلیل مقولاتی چون امنیت غذایی، تأمین اشتغال، نگهداشت جمعیت، ساماندهی مهاجرتها، حفظ هویت فرهنگی نقش عمده‌ای در نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ما ایفا می‌نمایند و یا می‌توانند ایفا کنند (یدقار ۱۳۷۸: ۳). متغیرهای توسعه برای بخشهای ارتباطات و مخابرات، آموزشی، فرهنگی، بهداشتی و درمانی انتخاب و جهت سطح‌بندی شهرستانهای استان گلستان که در برگیرنده تمام پهنه‌ها و محدوده‌های جغرافیایی این استان از جمله روستاها است به کار گرفته شد که به قرار زیر است.

تحلیل و بررسی

برای گروه‌بندی نقاط شهری و شهرستانهای استان گلستان از شاخصهای انتخابی متعددی استفاده گردید، با اعتقاد به این نکته که شاخصهای مورد نظر جهت تحلیل وضع موجود استان در سال ۶۹ مناسب ولی کافی نبوده است، از این رو سعی شده با حذف واحدهای غیر استاندارد سنجش توسعه‌یافتگی نقاط شهری و شهرستانهای استان بر اساس حداکثر داده‌های خام موجود که قابلیت

تبدیل به اطلاعات و متغیرهای توسعه را داشته است استفاده گردد. بکارگیری متغیرهای تحقیق در مدل تاکسونومی و تعیین درجه توسعه‌یافتگی نقاط شهری این استان نشان دهنده موارد زیر است.

۱ - نقاط شهری

۱-۱- در بخش آموزشی، شهر بندر گز و علی‌آباد به علت جمعیت کم و درصد باسوادی بالا بخصوص در مقطع عالی و نسبت افراد در حال تحصیل درمقاطع مختلف به جمعیت واقع در سن مربوط به آن در رتبه اول و دوم قرار گرفته و شهرهای دلد و گمیشان در مرتبه‌های آخر قرار می‌گیرند.

۱-۲- در بخش تأسیسات و تجهیزات شهری، شهرهای آق‌قلا و دلد از لحاظ شاخصهایی چون فضای سبز، ایستگاه آتش‌نشانی، نسبت وسایل نقلیه عمومی به جمعیت و امکانات شهری چون خودرو و حمل‌ونقل، گاراژ باربری، آژانس تلفنی، شرکتهای تعاونی، جمع‌آوری زباله‌های شهری و ... در مرتبه اول و دوم و شهرهای نوکنده و ترکمن به علت ضعف در زیرساختهای شهری در مرتبه آخر قرار می‌گیرند. شهر گرگان با وجود برخورداری از کیفیت برتر این تأسیسات به علت جمعیت زیاد، مهاجرت‌های بی‌رویه، عدم تناسب امکانات با جمعیت و پایین بودن سرانه‌های شهری در جایگاه نهم قرار می‌گیرد.

۱-۳- در بخش اشتغال، شهرهای آق‌قلا و گرگان به علت نرخ بیکاری پایین، درصد شاغلین به جمعیت فعال و ۱۰ ساله و بیشتر، متوسط بار تکفل، درصد شاغلین بخشهای تولیدی و نرخ رشد جمعیتی مناسب، مرکزیت استان، درصد شهرنشینی، تمرکز امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ... در مرتبه اول و دوم قرار گرفته و شهرهای نوکنده و گمیشان به علت ماهیت روستایی، ضعف زیرساختها، بالا بودن بیکاری و کمبود شاغلین، بالا بودن بار تکفل ... در مرتبه آخر قرار می‌گیرند.

۱-۴- در بخش مسکن و ساختمان، شهرهای گرگان و نوکنده به سبب بالا بودن درصد برخورداری خانوار از واحد مسکونی، پروانه‌های ساختمانی صادره و مسکونی، تراکم نفر در خانوار، رشد واحدهای مسکونی به رشد خانوار و برخورداری از امکانات آب لوله‌کشی، گاز، برق، تلفن و واحدهای مسکونی بادوام‌تر در مرتبه اول و دوم و شهرهای گمیشان و خان‌بین به علت ضعف شدید

در موارد ذکر شده در مرتبه آخر قرار می‌گیرند.

۱-۵- در بخش عمران شهری، مینودشت، گالیکش و گرگان به سبب بالا بودن سرانه هزینه‌های عمرانی و نسبت فضای سبز به کل شهر، مسیلهای ساخته شده، سطح معابر متناسب، بالا بودن درآمد شهرداریها، نسبت هزینه‌های عمرانی به جاری شهرداریها و ... در مرتبه‌های اول تا سوم و شهرهای آق‌قلا و گمیشان به علت ضعف در موارد ذکر شده در مرتبه آخر قرار می‌گیرند.

۲- محدوده شهرستان

۲-۱- در بخش آموزشی این شهرستانها که شاخصهایی چون نسبت کادر مراکز آموزشی و کارآموزان آموزش فنی و حرفه‌ای، کادر آموزشی به دانش‌آموز، تراکم دانش‌آموز در کلاسهای دبستان، راهنمایی، دبیرستان و ... مورد بررسی قرار گرفته است، شهرستان کردکوی و گرگان در غرب استان از وضعیت مطلوبی برخوردار بوده‌اند. حال آنکه شهرستانهای آق‌قلا و کلاله ضعیف بوده و در پایین‌ترین رتبه‌های استان قرار می‌گیرند. نکته مهم آنکه با توجه به این که شهر کردکوی از لحاظ شاخصهای آموزشی در میان شهرهای استان در رتبه یازدهم قرار گرفته است ولی ارائه خدمات آموزشی و امکانات وابسته به آن در مناطق روستایی این شهرستان به نحو مطلوب صورت گرفته است.

۲-۲- در بخش ارتباطات و مخابرات با تحلیل شاخصهایی چون نسبت راهها و شبکه حمل و نقل به ازای هر کیلومتر مربع، دفاتر و صندوقهای پستی شهری و مخابراتی، تلفنهای همگانی شهری و راه دور، تلفن همراه، مراکز تلفن بین شهری و شهری، ضریب نفوذ تلفن منصوبه و بهره‌برداری شده به صورت آنالوگ و رقومی، ... شهرستانهای بندر گز و کردکوی به عللی چون نزدیکی به مرکز استان و ساری، قرارگیری بر سر راه تهران-مشهد، تراکم انبوه جمعیت و سکونتگاههای روستایی، جمعیت متعادل و ... در مرتبه اول و علی‌آباد و ترکمن از وضعیت نامناسبی برخوردارند.

۲-۳- در بخش بهداشتی و درمانی با تحلیل شاخصهایی چون نسبت پزشکان متخصص و عمومی، تخت بیمارستان، دندانپزشکان، داروخانه، آزمایشگاه، مراکز رادیولوژی، بیمه خدمات درمانی و داروسازان ... شهرستانهای گرگان، بندر گز به عللی چون مرکزیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی ... و سیاستهای تمرکزگرای چند دهه اخیر، در رتبه‌های اول و دوم و شهرستانهای مینودشت و کلاله به علت دوری از مرکز استان، عدم قرارگیری شهر بزرگ و متوسط در حد شرقی

استان، وضعیت نامساعد طبیعی و اقلیمی، ضعف شبکه ارتباطی، فقر امکانات خدماتی، پراکنش فراوان جمعیت روستایی و شهری، مهاجرت‌های بی‌رویه شهری و روستایی ... از وضعیت نامناسبی برخوردارند.

۴-۲- در بخش فرهنگی با توجه به شاخصهایی چون نسبت کتابخانه، کتابهای چاپی و منتشره، چاپخانه، صندلی و تعداد سینما، هتل و کمیت اتاقهای آن، اعضای کتابخانه و مجلات این کتابخانه‌ها ... شهرستانهای علی‌آباد و گرگان به عللی چون تناسب جمعیت و امکانات فرهنگی، مرکزیت جغرافیایی و سیاسی استان، ارائه امکانات و خدمات فرهنگی، پتانسیلهای بالای طبیعی و توریستی، توسعه یافتگی آموزشی و علمی ... در مرتبه اول و دوم و شهرستانهای کلاله و مینودشت به علت ضعفهای ساختاری فرهنگی در شهرستان در مرتبه آخر قرار می‌گیرند.

تلفیق شاخصهای بخشها و گروههای مختلف اقتصادی- اجتماعی نقاط شهری و شهرستانهای استان گلستان مبین این نکته است که:

۱- در سطح‌بندی درجه توسعه‌یافتگی نقاط شهری استان گلستان، شهرهای گرگان، مینودشت و رامیان به عنوان نقاط توسعه یافته، شهرهای آق‌قلا، خان‌ببین، علی‌آباد، گالیکش، کردکوی به عنوان نقاط کمتر توسعه یافته، آزادشهر، بندر گز، کلاله، گنبد، دلند به عنوان نقاط در حال توسعه و شهرهای نوکنده، ترکمن، گمیشان به عنوان شهرهای توسعه نیافته محسوب می‌گردند.

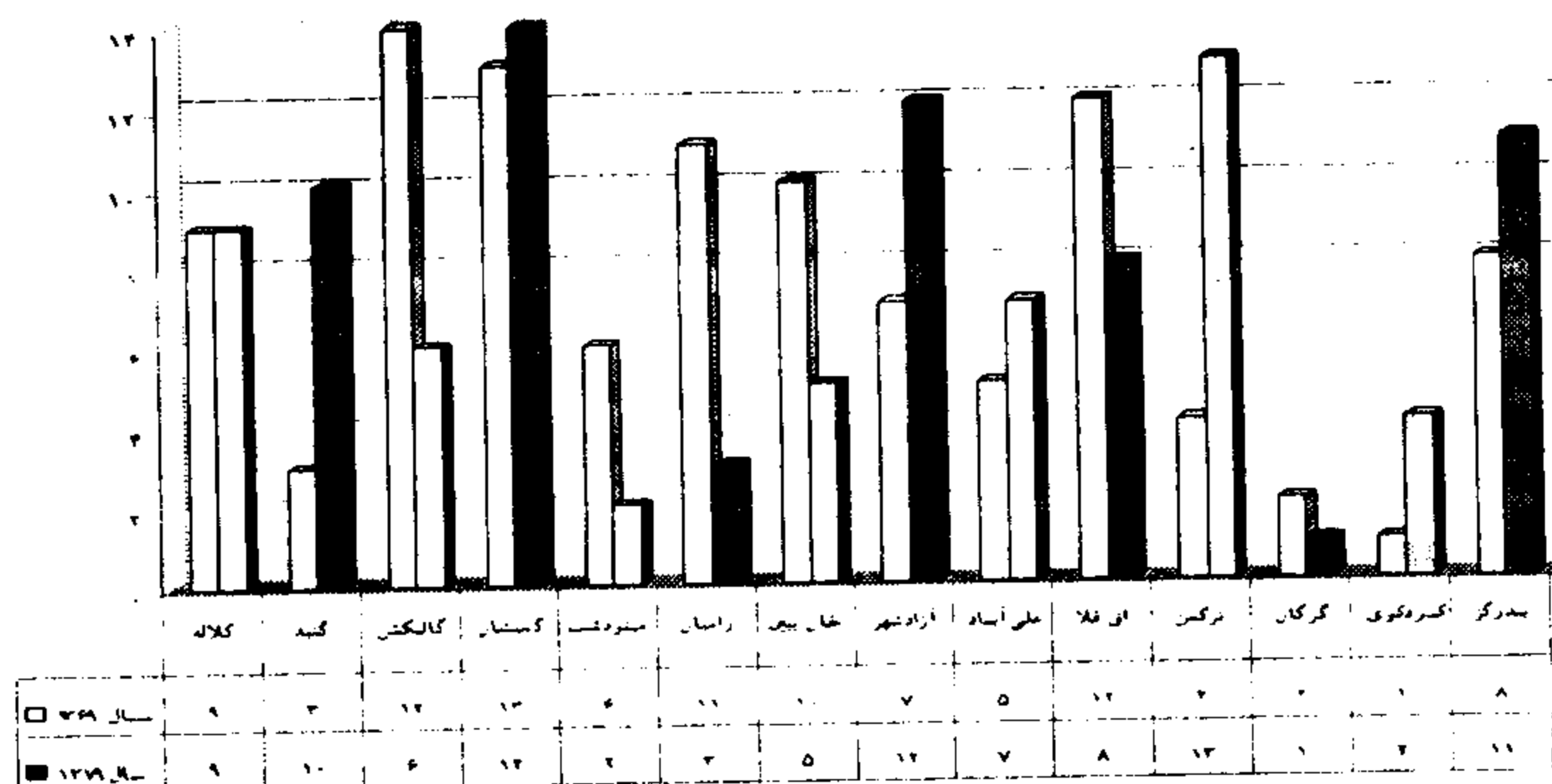
۲- در سطح‌بندی درجه توسعه یافتگی شهرستانهای استان گلستان شهرستانهای گرگان و کردکوی به عنوان توسعه یافته، شهرستان بندر گز به عنوان شهرستان در حال توسعه، گنبد کاووس، علی‌آباد، بندر ترکمن به عنوان شهرستانهای کمتر توسعه یافته و شهرستانهای مینودشت و کلاله به عنوان سطوح توسعه نیافته محسوب می‌گردند.

۳- مقایسه تغییرات نقش و جایگاه شهرهای استان گلستان در دو مقطع زمانی نشان‌دهنده این امر است که شهرهای گنبد و ترکمن دارای بیشترین تغییر بوده و از رتبه‌های سوم و چهارم استان در سال ۶۹ به رتبه دهم و سیزدهم در سال ۷۹ سقوط کرده‌اند. حال آنکه شهرهای کلاله و گمیشان دارای جایگاه تقریباً ثابتی بوده و بیشترین ارتقا به شهرهای مینودشت، رامیان اختصاص دارد که از رتبه‌های ششم و یازدهم به رتبه دوم و سوم صعود کرده‌اند. هر چند می‌توان داده‌های متعلق به سال ۶۹ را جهت سطح‌بندی نقاط شهری این استان ناکافی دانست ولی در کل با توجه به جوامع آماری و

داده‌های ارائه شده آن مقطع می‌تواند مورد استناد قرار گیرد. (نمودار صفحه بعد)

نتیجه‌گیری و ارائه راهبردهای توسعه

تغییرات نقش و جایگاه شهرهای استان گلستان در طی سالهای ۱۳۷۹-۱۳۶۹



وجود تفاوت‌های بارز میان مناطقی که از امکانات طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و منابع بالقوه برخوردارند همواره محققین را بر آن داشته تا با استفاده از آمار و اطلاعات موجود و اتخاذ روشها و تکنیکهای مناسب به تحلیل این عدم تعادل فضایی پرداخته و به سهم خود روشنگر میزان تفاوتها، درجه‌بندی مناطق از حیث برخورداریها و نهایتاً شناخت علل و عوامل تفاوتها، درجه‌بندی و عدم تعادل فضایی باشند. اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان سوم در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود در مقاطع زمانی کوتاه مدت و میان مدت به برنامه‌ریزی بخشی توجه نموده و طرحهای آمایش سرزمین و به طور کلی استراتژی بلند مدت توسعه را از نظر دور داشته‌اند. این مناطق با درک مشکلاتی نظیر فقدان نیروهای متخصص و کارآمد، عدم شناخت قابلیتها و امکانات و در نتیجه عدم استفاده بهینه از آنها، توزیع نامناسب جمعیت، به برنامه‌های توسعه و توجه به مدلها و الگوهای برنامه‌ریزی ناحیه‌ای متوسل شده‌اند تا با شناسایی، طبقه‌بندی، حل مسائل و مشکلات، راهبردهای مناسبی را در برنامه‌های خود اتخاذ نمایند. استان گلستان نیز همچون استانهای دیگر کشور دارای یک یا چند نقطه متعادل و توسعه یافته و اکثریتی محروم و غیر برخوردار است که توزیع فضایی آن در مناطق و بخشهای مختلف استان ناهمگن و برنامه‌ریزی نشده است. به طور کلی مهمترین نتایج

نتیجه گیری و ارائه راهبردهای توسعه

وجود تفاوت‌های بارز میان مناطقی که از امکانات طبیعی اقتصادی اجتماعی و منابع بالقوه برخوردارند همواره محققین را بر آن داشته تا با استفاده از آمار و اطلاعات موجود و اتخاذ روشها و تکنیکهای مناسب به تحلیل این عدم تعادل فضایی پرداخته و به سهم خود روشنگر میزان تفاوتها، درجه بندی مناطق از حیث برخورداری‌ها و نهایتاً شناخت علل و عوامل تفاوتها، درجه بندی و عدم تعادل فضایی باشند. اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان سوم در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود در مقاطع زمانی کوتاه مدت و میان مدت به برنامه‌ریزی بخشی توجه نموده و طرح‌های آمایش سرزمین و به طور کلی استراتژی بلند مدت توسعه را از نظر دور داشته‌اند. این مناطق با درک مشکلاتی نظیر فقدان نیروهای متخصص و کارآمد، عدم شناخت قابلیت‌ها و امکانات و در نتیجه عدم استفاده بهینه از آنها، توزیع نامناسب جمعیت، به برنامه‌های توسعه و توجه به مدلها و الگوهای برنامه‌ریزی ناحیه‌ای متوسل شده‌اند تا با شناسایی، طبقه‌بندی، حل مسائل و مشکلات، راهبردهای مناسبی را در برنامه‌های خود اتخاذ نمایند. استان گلستان نیز همچون استانهای دیگر کشور دارای یک یا چند نقطه متعادل و توسعه یافته و اکثریتی محروم و غیر برخوردار است که توزیع فضایی است در آن مناطق و بخشهای مختلف استان ناهمگن و برنامه‌ریزی نشده است به طور کلی مهمترین نتایج حاصل از تحلیل وضعیت موجود توسعه یافتگی در استان گلستان به قرار زیر است.

۱- توزیع فضایی شهرها و نقاط سکونتگاهی استان به گونه‌ای است که هر چه از غرب به شرق و جنوب به شمال استان پیش رویم با درجه محرومیت بیشتری رو به رو می‌شویم علت این امر را می‌توان در فقر امکانات خدماتی و تأسیسات شهری، قابلیتها و پتانسیلهای ضعیف طبیعی و اقلیمی، پراکنش زیاد نقاط سکونتگاهی شهری و روستایی، عدم سکونتگاه برتر منطقه‌ای با قابلیت‌های شهری همچون گرگان، فقدان سرمایه‌گذاریهای اساسی مالی و صنعتی، مهاجرت‌های بی‌رویه روستایی درون استانی و برون استانی، دوری از مرکز ثقل جغرافیایی و مرکزیت سیاسی، اجتماعی استان و شهر ساری، بالا بودن درصد هزینه‌های جاری دستگاهها به هزینه‌های عمرانی در این مناطق دانست.

۲- مناطق مرکزی و غربی استان همچون نواحی گرگان، علی‌آباد، رامیان، کردکوی و مینودشت،

بندر گز به علت نزدیکی به شاهراه ارتباطی تهران- مشهد، دسترسی به راه آهن و حمل و نقل هوایی و دریایی، پتانسیلها و استعدادهای طبیعی و اقلیمی، تراکم شدید و متوسط جمعیت، وجود سکونتگاه برتر و منطقه‌ای گرگان، مرکزیت ثقل جغرافیایی، نزدیکی به ساری، آمل و بابل در استان مازندران، تمرکز سرمایه‌گذارهای عمرانی در این مناطق، توسعه مراکز آموزشی عالی و عمومی، اشتغال ... از درجه محرومیت کمتری برخوردارند.

۳- تمرکز امکانات در بعضی از نقاط و محدوده‌های استان فقط متوجه نقاط شهری بوده و درصد پایینی از ساکنین روستایی از این امکانات رفاهی برخوردارند. به عنوان مثال سطح‌بندی نقاط شهری استان گلستان نشان می‌دهد که شهر مینودشت با جمعیت متوسط خود به عنوان یک شهر متوسط و ناحیه‌ای در رتبه دوم استان و بالاتر از کردکوی، علی‌آباد و رامیان قرار می‌گیرد، حال آنکه در سطح‌بندی توسعه‌یافتگی شهرستانهای استان در بین ۹ شهرستان مورد بررسی در جایگاه هفتم قرار می‌گیرد.

۴- نقش شبکه ارتباطی مواصلاتی شرق به غرب در توسعه‌یافتگی نقاط سکونتگاهی شهری و روستایی استان کاملاً بدیهی است به صورتی که از ۱۶ نقطه شهری استان که مورد بررسی قرار گرفته‌اند ۴ نقطه شهری رامیان، گرگان، مینودشت و کردکوی به عنوان مناطقی توسعه یافته در اطراف و شعاع ۱۰ کیلومتری این جاده قرار دارند، حال آنکه نقاط شهری با سابقه‌ای چون بندر ترکمن، آق‌قلا، گنبد کاووس، بندر گز، گمیشان، کلاله از چنین وضعیتی برخوردار نیستند.

۵- فاصله درجه توسعه‌یافتگی شهر و شهرستان گرگان از دیگر شهرها و شهرستانهای استان گلستان نشان دهنده اختلاف عمیق در توزیع متعادل سطوح توسعه در این استان می‌باشد. نقش‌پذیری جدید این شهر به عنوان مرکز استان می‌تواند مهمترین کانون رشد جمعیت و مقصد مهاجرت‌های روستایی قرار گیرد.

۶- محاسبه ضریب همبستگی بین درجه توسعه‌یافتگی و متغیرهای انتخابی نقاط شهری چون برخورداری خانوار از واحد مسکونی، درصد شاغلین، متوسط بار تکفل، سرانه هزینه عمرانی شهرداری، نسبت رشد واحد مسکونی به رشد خانوار، درآمد سرانه شهرداری، نسبت افراد در حال تحصیل در مقطع آموزش عالی، درآمد سرانه شهرداری به ترتیب برابر با: ۸/۴۰، ۲۸/۸، ۱/۷، ۱۵/۳، ۶، ۴۱/۴، ۱۱/۴، ۳۸ درصد بوده است که بیشترین همبستگی را با درآمد سرانه شهرداری دارد.

شاید بتوان یکی از نقاط قوت این پژوهش را سطح‌بندی نقاط شهری و شهرستانهای استان در

بخشهای مختلف به صورت مجزا و سپس تلفیق این بخشها به صورت قالب ترکیبی جهت نشان دادن درجه نهایی توسعه یافتگی استان دانست زیرا ممکن است یک نقطه یا منطقه در بخش X رتبه دوم را کسب کرده و در بخش Y رتبه شانزدهم را که در برنامه ریزی باعث اشتباه مدیران و برنامه ریزان خواهد گردید. از طرف دیگر توجه صرف به داده‌های شفاف و ملموس تر چون درصد باسوادی، اشتغال، بیکاری، ... نشان دهنده واقعیات توسعه یافتگی کمی جوامع نخواهد بود. مدل‌های برنامه ریزی منطقه‌ای و ناحیه‌ای می‌تواند با تلفیق متغیرهای فراوان آن را به شکل نتیجه‌ای واحد ارائه نماید. با توجه به اینکه پیشرفت و توسعه هر منطقه‌ای با استفاده از قابلیت‌ها و یا برتری‌های نسبی آن می‌تواند سریعتر و کوتاهتر از سایر راه‌های دیگر به نتیجه برسد، زیرا برای سرمایه‌گذاری و توسعه نیاز به عوامل و امکانات متعددی است که با داشتن برتری نسبی در آن زمینه بیش از نیمی از سرمایه‌گذاریها و یا نیازمندی‌های توسعه را تأمین می‌کند (شوهانی ۱۳۷۸: ۲۴). از آنجا که مهمترین قدم در برنامه ریزی منطقه‌ای تعیین اهداف متفاوت برای مناطق است لازم است پس از تعیین درجه توسعه یافتگی مناطق، هدفها مشخص شوند تا بر اساس آن راه‌حلهای متناسب ارائه شوند. پس می‌توان تاکسونومی عددی را تا یک مرحله دیگر نیز ادامه داد و آن تعیین اهداف مناطق است. به این صورت که:

- ۱- مناطقی را که در نظر است برای آن هدف توسعه تعیین گردد، مشخص نموده و مناطقی را که درجه توسعه آن کمتر از منطقه مورد نظر باشد کنار گذارده شود.
 - ۲- به ماتریس داده‌های اولیه مراجعه نموده و فقط داده‌های این مناطق انتخاب شود.
 - ۳- در سطر آخر ماتریس داده‌های اولیه جدید، میانگین شاخصها برای مناطقی باقیمانده محاسبه می‌گردد. این میانگین می‌تواند هدفهای قابل حصول جهت منطقه مورد نظر باشد. از آنجا که در برنامه ریزی منطقه‌ای اهداف به ۳ دسته کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت تقسیم می‌شود می‌توان با وارد نمودن بعد زمان، هدفها را زمان بندی کرد. به عنوان مثال می‌توان اهداف بلند مدت را بر مبنای دستیابی به شاخصهایی با استاندارد بین‌المللی در نظر گرفت (محمودی و همکاران ۱۳۷۴: ۲۴).
- اولویت اجرایی وابسته به سیاستهای توسعه بخشی را می‌توان به شرح زیر نام برد:

۱- اشتغال و آموزش شامل: کنترل جمعیت با اجرای عملی تنظیم خانواده، ایجاد فرصتهای شغلی با توجه به مزیت‌های نسبی استان چون صنایع تبدیلی کشاورزی، ارائه امکانات و خدمات بهداشتی،

آموزشی... به نقاط روستایی و شهرهای کوچک و توسعه نیافته جهت جلوگیری از مهاجرت به شهرهای بزرگ، افزایش نرخ باسوادی، ایجاد بانک اطلاعاتی جهت راهنمایی سرمایه داران و متقاضیان سرمایه گذاری، توسعه صنایع دستی، توسعه کشت پنبه و دیگر محصولات با توجه به استعداد منطقه، استفاده از موقعیت استراتژیکی همسایگی با کشورهای همسایه و ارائه خدمات فنی و بازاریابی کالا و خدمات، استفاده از نیروی کار داخلی، ایجاد شهرکهای صنعتی در نقاط کم بازده کشاورزی، توسعه صنعت توریسم، تکمیل و مرمت فضاهای آموزشی موجود، افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان فنی و ریاضی و کارودانش، توسعه دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد، تغییر گرایش در رشته های علوم انسانی از نظری به کاربردی....

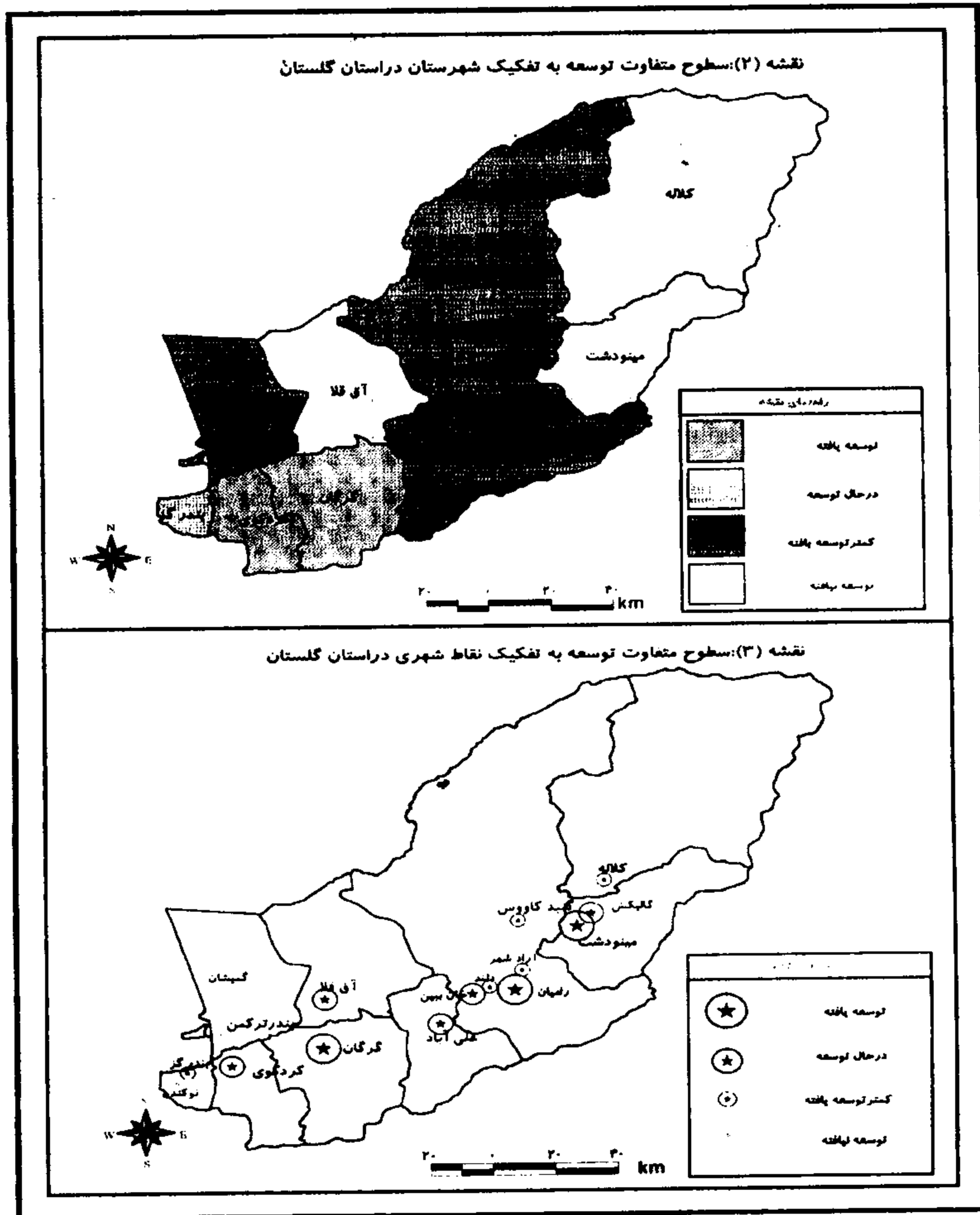
۲- عمران و تأسیسات و تجهیزات شهری شامل: تقویت شهرهای کوچک و ایجاد روستا شهرهای جدید در نواحی شمالی استان، برنامه ریزی در جهت تمرکز جمعیت در محدوده قانونی شهرها و جلوگیری از توسعه بی رویه شهرها، تأکید بر بلندمرتبه سازی و جلوگیری از تغییر کاربری اراضی، کنترل ساخت و سازهای بی رویه، ساماندهی حریم رودخانه ها، بازسازی و اصلاح شبکه آب آشامیدنی، توسعه فضای سبز درون شهری، مکانیزه سازی جمع آوری زباله و دفن بهداشتی آن، نوسازی و بازسازی مراکز قدیمی شهرها، تهیه طرحهای توسعه شهری و تجدیدنظر در طرحهای موجود، انتقال صنایع و کارگاههای آلوده و مزاحم از درون شهرها، تجهیز کشتارگاههای موجود، تهیه طرح ساماندهی حمل و نقل شهرهای بزرگ، افزایش سیستم حمل و نقل درون شهری عمومی، مکان یابی مناسب پایانه های باربری و مسافربری، ایجاد شهرهای جدید در نواحی شمالی استان، ایجاد ایستگاههای آتش نشانی در شهرهای استان....

۳- مسکن و ساختمان شامل: استفاده از مصالح با دوام آهن و آجر به جای چوب و گل، توسعه عمودی به جای افقی با توجه به حاصلخیزی منطقه، حمایت از سرمایه گذاری بخش خصوصی در مسکن، جلوگیری از ساخت و سازهای غیر قانونی و بیرون از محدوده قانونی شهرها، تثبیت نرخ تسهیلات بانکی در بخش مسکن، ایجاد بانک اطلاعاتی زمین و مسکن، تلاش در جهت کاهش زیر بنای واحدهای مسکونی،....

۴- ارتباطات و فرهنگی شامل: تجهیز کتابخانه های وابسته به دانشگاه و مراکز فرهنگی ارشاد

اسلامی، بهبود کیفی و کمی چاپخانه و مراکز نشر استان، افزایش تعداد سینما و بهبود کمی و کیفی آن از لحاظ نمایش فیلم و صندلی...، توجه به پتانسیل‌های توریستی استان و سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی وابسته به آن چون هتلها، مسافرخانه،... توسعه شبکه ارتباطی استان با تکیه بر راههای اصلی و بزرگراهها، افزایش دفاتر پستی، افزایش تعداد تلفنهای همگانی، همراه و مراکز تلفن بین شهری، توجه به نصب و تجهیز مراکز مخابراتی استان به تلفنهای دیجیتال به جای آنالوگ، توسعه و تعمیم شبکه فیبر نوری،....

۵- بهداشتی و درمانی شامل: افزایش نسبت تخت بیمارستانی به جمعیت از طریق توسعه مراکز درمانی، افزایش نسبت پزشکان و داروسازان بویژه پزشکان متخصص به جمعیت از طریق سیاستهای تشویقی و مالی، افزایش تعداد داروخانه‌ها، آزمایشگاهها، مراکز رادیولوژی، پرتونگاری،...، توجه به پوشش همگانی بیمه تأمین اجتماعی،....



مآخذ

- رضائی، محمدابراهیم (۱۳۷۶)، سنجش توسعه شمال خراسان بر پایه مدل‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای شهری، دانشگاه تهران.
- ایزدی، کاظم (۱۳۷۳)، طرح کالبدی ملی، مطالعه شبکه شهرهای مهم کشور، بررسی‌های پایه، مرکز تحقیقات معماری و شهرسازی ایران.
- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۷۰)، شاخصهای توسعه شهری، دفتر اقتصاد مسکن، ص ۵-۱۰.
- محمودی، وحید و فیض‌پور، محمدعلی (۱۳۷۶)، سنجش درجه برخورداری فرهنگی استانهای کشور، دانشور فصلنامه علمی- پژوهشی، شماره ۱۷.
- سازمان برنامه و بودجه استان گلستان (۱۳۷۸)، فعالیت زمینه‌ساز تنظیم برنامه سوم توسعه در استان گلستان.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان (۱۳۸۰)، چهارچوب محتوایی سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان گلستان.
- سازمان برنامه و بودجه استان گلستان (۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹)، سالنامه آماری استان گلستان، (مدیریت و برنامه‌ریزی)
- حقی، محمدعلی (۱۳۷۰)، شاخصهای کالبدی و طرح‌ریزی سرزمین، مجموعه مقالات طرح‌ریزی کالبدی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- آسایش، حسین (۱۳۷۶)، اصول و روشهای برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان (۱۳۷۷ و ۱۳۷۸)، گزارش اقتصادی- اجتماعی استان گلستان.
- یدقار، علی (۱۳۷۸)، کاربری GIS در برنامه‌ریزی مراکز روستایی، پایان‌نامه دوره دکتری

- جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان (۱۳۸۱)، طرح جامع و توسعه آمایش استان گلستان، بخش جامعه شهری، مشاور هامون، مرحله اول.
 - شوهانی، نادر (۱۳۷۸)، تحلیلی بر پتانسیلها و محرومیت‌های استان ایلام، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
 - سازمان آمار ایران (۱۳۶۵ و ۱۳۷۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان مازندران.
 - سازمان آمار ایران (۱۳۷۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان گرگان.
 - سازمان آمار ایران (۱۳۷۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان گنبد کاووس.
 - سازمان آمار ایران (۱۳۷۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان بندر ترکمن.
 - سازمان آمار ایران (۱۳۷۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان علی‌آباد.
 - سازمان آمار ایران (۱۳۷۵)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان مینودشت.

- Hadder, R. (2000) Development Geography, Routledge , London: Newyork , P3.
- Peet, R. (1999) Theories of development, Gulford press, Newyork: London, P. 17.
- Arthur C.N and etal. (1994) The raleaf regional development management in central city, revitalization, Journal of Planning Literature, vol 8 No 4. May.
- Oppenheim , N. (1980) Applied Models in urban and regional Analysis Prentic – Hall Inc , USA , PP. 200- 202.